

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مبارزه با فساد بانکی، نمونه‌ای از کج‌روی نظام‌اداری، الزام اساسی تحقق اقتصاد مقاومتی

فاطمه یوسفوند، دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه الزهراء، yusefvandf@gmail.com

حمیده زمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه الزهراء، hz_zamani@vatanmail.ir

چکیده

امروزه بانک‌ها نقش اصلی را در رشد و توسعه کشورها ایفا می‌کنند، به طوری که کاهش تورم، افزایش سطح اشتغال، کاهش میزان بدهکاری، کنترل نقدینگی، افزایش رفاه و درآمد افراد جامعه، رونق تولید و..... از جمله آثار نظام بانکی کارآمد محسوب می‌شود. لیکن شواهد حاکی از این است که نظام بانکی ما با مشکلات جدی روبروست، اختلاس سه هزار میلیارد تومانی و ۸۰ هزار دلار دیون معوق بانکی نشان از فساد گسترده در نظام بانکی ما دارد. با توجه به سازوکار ادارات در کشور، مهم‌ترین و بارزترین تعریفی که از فساد می‌توان داشت معادله‌ای است که کلیتگارد (۱۹۸۸) مطرح کرده است: "فساد = انحصار + صلاحدید - پاسخگویی"

اصلاح مناسبات بانکی و هم‌چنین توزیع مناسب منابع بانکی، بهترین مصداق فساد زدایی در تصمیم‌گیری‌های این بخش از اقتصاد کشور است. دخالت قدرت یا سیاست در نظام بانکی، نقض قوانین و مقررات بانکی، رشد سرطان گونه‌ی موسسه‌های اعتباری و بانک‌هایی که از هر گونه دخالت و نظارت بانک مرکزی مصون هستند و دسترسی به منابع ارزان بانکی با استفاده از مناسبات خویشاوندی، از جمله عوامل فساد در نظام بانکی است، که شواهد نشان می‌دهد این ارقام بزرگ با ورود به بخش‌های غیر مولد، صرف سوداگری و سفته‌بازی در بازارهای ارز، سکه و مسکن شده و آنچه باقی‌مانده انبوه مشکلات اقتصادی - اجتماعی است.

در این مطالعه با رویکردی اسنادی و تکیه بر نظرات کارشناسان اقتصادی، به بررسی معوقات بانکی، بنگاه‌داری بانک‌ها به عنوان مصداق فساد در نظام بانکی، بحران رکود تورمی و نقش بانک‌ها در ایجاد آن پرداخته می‌شود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد، برای تحقق سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی مدنظر رهبری و برای مردمی کردن اقتصاد، باید با فساد برخورد شود و در گام اول نظام بانکی به عنوان مادر فساد، مورد اصلاح قرار گیرد.

کلیدواژه: انحصار، پاسخگویی، رکود تورمی، شفافیت، فساد بانکی، معوقات

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اقتصاد، صنعت بانکداری است؛ زیرا بانک‌ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه، از ارکان اصلی بازارهای مالی برشمرده می‌شوند. بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است، به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل این بانک‌ها هستند که عهده‌دار تأمین مالی بلندمدت می‌باشند. (حسینی و سوری، ۱۳۸۶) اهمیت نقش بانکداری در اقتصاد کشور به حدی است که تصور اقتصاد بدون بانک در روزگار ما مشکل است، بانک‌ها نقش اصلی را در رشد و توسعه کشورها ایفا می‌کنند. (عباس زاده، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲/۱۰/۲۵) از وظیفه‌های مهم بانک‌ها، تسهیل گردش پول، تجهیز و تخصیص منابع پولی است. اگر این وظایف به خوبی انجام شود، نقش مؤثری در توسعه کشور خواهد داشت.

در مورد جمهوری اسلامی ایران، وجود فساد اداری مالی در نظام بانکداری، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد کشور است. بطوریکه سال‌ها مامشات با فساد مالی، کشور را به فساد سیستمی رسانده است، بدین معنی که دستگاه‌ها و نهادهای مسئول مبارزه با فساد، خود گرفتار مراتبی از فساد می‌شوند.

اختاپوس فساد مالی در تاریخ معاصر ایران نه تنها قهرمانان ملی بزرگی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر را به خاطر مبارزه با آن قربانی خودساخته، بلکه متأسفانه ریشه‌ها و شاخه‌های آن، هنوز هم برجای مانده است. (دادگر، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۸/۹/۳۰). اختلاس ۸۰ هزار میلیارد تومانی، رقمی حدود ۹ درصد بودجه ۷۲۷ هزار میلیارد تومانی کل کشور در سال ۱۳۹۲، یا مبالغی که در چند سال گذشته بیشتر در قالب تسهیلات سفارشی و بدون توجیه اقتصادی قوی به افراد پرداخت شد، اما اخبار واضحی از بازگشت این مقادیر به بانک‌ها داده نشد، این میزان سرمایه در صورت اختصاص برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و تزریق آن به بخش تولید، می‌توانست به قلب تپنده اقتصاد توانی افزون‌تر بخشد، هزاران فرصت شغلی را ایجاد نموده و به تبع آن نجات از بسیاری معضله‌های اجتماعی را باعث شود. (ایرنا، ۹۲/۱۲/۱۴)

اهمیت نظام بانکداری به حدی است که در طرح تحول اقتصادی نیز یکی از محورهای هفت‌گانه، مسئله تحول نظام بانکی کشور است. در سال ۱۳۶۲ نیز نسخه‌ای به منظور اصلاح فعالیت‌های بانکداری ایران تحت عنوان بانکداری اسلامی تهیه شد، اما به رغم اصلاحات و الحاقاتی که مرتباً بر روی این برنامه انجام شد، بانک‌ها با بی میلی آن را به اجرا گذاردند که حاصل این بی‌توجهی، گسترش ارتشا و اختلاس در درون بانک‌ها و گسترش بازار ربا در چرخه تولید و خدمات بود که نهایتاً عامل ورشکستگی شرکت‌ها و صنایع در بخش خصوصی شده است. (خبرگزاری اقتصادی ایران، ۱۳۹۳/۹/۱۹)

بنابر نظرات کارشناسان، اصلاح نظام بانکی توسط دولت، یکی از اقداماتی است که باید صورت گیرد تا زمینه بازسازی اقتصاد کشور و تحقق سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی فراهم شود. دکتر راغفر، راه‌اندازی نهضت ضد فساد را کلید اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی مدنظر رهبری دانسته و ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را بهانه‌ای برای اصلاحات عمیق در اقتصاد کشور

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

برشمرده است. (تسنیم، ۱۳۹۲/۱۲/۳) وقوع فسادهای اقتصادی در سال‌های اخیر و مطرح شدن پرونده‌های فاضل خداداد، شهرام جزایری، گروه امیر منصور آریا و بابک زنجانی هرچند با برخورد جدی دستگاه قضایی همراه بوده است، اما این امر کافی نبوده و لازمه صورت نگرفتن این گونه مفاصد اقتصادی، از بین بردن زمینه‌های وقوع این جرائم است. در ابتدا باید این مسئله را با ضوابط و معیارهای علمی بررسی نمود تا بتوان کانون‌های اصلی آسیب‌پذیری مشروعیت نظام سیاسی و منحرف‌کننده عملکرد اقتصادی و تشدیدکننده آسیب‌های اجتماعی را شناسایی کرد. (ایسنا، ۱۳۹۲/۳/۳)

این مقاله بر آن است با نگاهی متفاوت، صرفاً با استفاده از نظرات نخبگان و کارشناسان اقتصادی کشور که بسیاری از آن‌ها سال‌هاست بنا به تعهد، در جهت پیشرفت و اعتلای کشور و رفع مشکلات به ارائه نظرات و راهکارها می‌پردازند، به بررسی فساد نظام بانکی کشور به عنوان نمونه‌ای از کج روی نظام اداری مغایر با تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بپردازد.

از جمله مصادیق فساد در نظام بانکی کشور وجود مطالبات معوق و بنگاهداری بانک‌ها است و این مقاله در پی پاسخگویی به سؤالاتی از این قبیل است که چرا در سال‌های گذشته مطالبات بانکی رشدی فزاینده را تجربه کرد؟ چرا درصد بالایی از اعتبارات بانکی در اختیار عده‌ای معدود قرار گرفت؟ بدهی‌های بانکی چه پیامدهایی داشته است؟ چگونه می‌توان این بدهی‌ها را وصول کرد و یا مانع از افزایش آن شد؟ چرا بانک‌ها به سمت بنگاهداری رفته‌اند؟ و نقش بانک‌ها در بحران رکود تورمی کشور چیست؟

پیشینه تحقیق

فساد، یکی از پدیده‌های جهانی است که از دیرباز با پیدایش شکل‌های اولیه حکومت وجود داشته و عاملی مهم در ایجاد آسیب و ضرر به سیاست‌ها و منافع عمومی تلقی می‌شود. (سازمان بین‌المللی شفافیت، ۲۰۰۵، ص ۲۶) بررسی مطالعات انجام شده در حوزه فساد اداری-مالی، نشان داده که پژوهشگران، هرکدام از زاویه‌ای خاص، این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد. سلدادیو و هان (۲۰۰۶)، به بررسی ۷۰ مورد از پژوهش‌های انجام شده در خصوص فساد اداری مالی پرداخته و برخی عوامل مدیریتی و سازمانی از قبیل نابرابری درآمدها، اختلاف در قدرت، ساختار سازمانی، بروکراسی بیش از حد، مقررات پیچیده و زاید و میزان مسئولیت کارکنان را در بروز فساد اداری-مالی موثر می‌دانند. فوکو (۲۰۰۸) در بررسی دامنه‌ای از مقالات چاپ شده در طی ۳۹ سال نشان داده است اگر تبعیض‌ها و شکاف بین کارکنان و مدیران افزایش یابد، فساد در سازمان نیز افزایش می‌یابد و براساس نتایج بدست آمده از پژوهش وی، مهمترین عامل بروز فساد اداری-مالی، حقوق و دستمزد بوده است. دادگر و نظری (۱۳۸۸) عوامل اداری و مدیریتی موثر در پیدایش فساد را عواملی چون پیچیدگی و ناکارآمدی ساختار قوانین و مقررات و نظام بروکراسی، ناکارآمدی نظام نظارت و بازرسی، ناکارآمدی نظام گزینش مدیران و می‌دانند. قادری (۱۳۸۸) به تحلیل جامعه‌شناختی فساد اداری در ایران می‌پردازد و طی آن با روش اسنادی به علل و عوامل موثر در شکل‌گیری فساد اداری، رابطه نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی با

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

فساد اداری، پیامدها و سرانجام ارائه راهکار مناسب برای مقابله با این پدیده می پردازد. فرهادی نژاد و لگزبان (۱۳۹۰) در مقاله خود به بررسی نگرش ها به فساد اداری و روش های کنترل آن در طی ۱۰ سال (۷۶-۸۸) پرداختند که مطابق نتایج آن، در طی ۱۰ سال، متغیرهای اقتصادی، جای خود را به متغیرهای فرهنگی داده و متغیرهای فردی، جایگزین متغیرهای سازمانی شده اند. اصغرپور، سلمانی، فشاری، دهقانی (۱۳۹۰) در بررسی تاثیر فساد اداری بعنوان یکی از متغیرهای مهم و موثر بر نرخ پس انداز ناخالص ملی، بر کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که در دو گروه کشورهای نفتی و غیرنفتی تقسیم بندی صورت گرفت، اثر مثبت و معنی دار شاخص ادراک فساد بر نرخ پس انداز ملی را نتیجه گرفتند، بعلاوه یافته ها، کشش بیشتر نرخ پس انداز ملی نسبت به شاخص ادراک فساد، در گروه کشورهای نفتی را می نمایند. عظیمی، عطا فر، شامی (۱۳۹۰) با هدف بررسی تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری-مالی که در بین حدود ۹۰۰ تن از مدیران و کارشناسان سازمان های موجود در مراکز استانهای اصفهان و زنجان صورت گرفت، شش عامل را در اولویت تاثیر گذاری بر فساد اداری-مالی قرار دادند که می توان به ضعف سیستم نظارت و کنترل و ارتباطات، ضعف مدیران در سازماندهی، ضعف عوامل ساختاری و.. اشاره نمود.

چیستی و چگونگی شکل گیری فساد

فساد در اشکال مختلف آن دارای تأثیراتی مخرب بر نظام تصمیم گیری اساسی و چگونگی تخصیص منابع و از این طریق مؤثر بر توسعه اقتصادی ملت ها و رفاه نسل های آتی آنهاست. (راغفر، ۱۳۸۷) فساد در هر شکل آن، همواره وجود داشته و مختص فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور خاصی نیست. در واقع وجود فساد گسترده در یک سیستم اداری، اقتصادی یا سیاسی حاکی از وجود فساد گسترده تر در سطح جامعه است که از عوامل متعدد ناشی می شود. ناکارآمدی دستگاه های نظارتی، نبود نظام ارزیابی عملکرد، فقدان نظام کنترل مدیریت، مبهم بودن قوانین و مقررات، ناکارآمدی ساختارهای اداری، دخالت بیش از حد دولت در اداره امور اقتصادی و انحصارات دولتی، همراه با سوء تدبیرها زمینه گسترش فساد را فراهم نموده است. (عباس زادگان، ۱۳۸۹)

در تعریف فساد معانی متفاوتی ارائه شده است. مقام معظم رهبری می فرمایند: "فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، با قانون دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق به جانب، به جان بیت المال این ملت بیفتند و کیسه های خود را پر کنند" و می فرمایند "بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت المال مردم برای منافع شخصی و پر کردن جیب خود تغذیه کنند". (۱۳۸۰/۱۰/۱۹) به نظر ایشان در هر جایی که نابسامانی وجود دارد، یکی از محتمل های بسیار بالا وجود فساد است. البته ممکن است در جایی بی تدبیری و سوء مدیریت باشد؛ اما یکی از احتمالاتی که به هیچ وجه قابل اغماض نیست، وجود فساد است. (۱۳۸۰/۲/۱) طبق تعریف بانک جهانی و شفافیت بین الملل، فساد سوء استفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی است. ربیعی در کتاب زنده باد فساد، آن را به دو نوع فساد یقه سفیدها و یقه آبی ها تقسیم می کند و تبیین می کند فساد یقه سفیدها در میان نجبگان

بمایش ملی اقتصادمفاومتی "جانشها، واقعتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

حکومتی و دبیران اجرایی و فساد سطح دوم، در میان بدنه حجیم دولت و عمدتاً از سرمنشأ زندگی در میان مردم است. وی در دسته‌بندی مراتب فساد، جامعه ایران را در مرحله آسیب‌پذیر رو به مزمن توصیف می‌کند، یعنی مردم در شرایطی از زندگی قرار می‌گیرند که برای انجام کارها نیاز به انجام فساد دارند و مهم‌ترین عامل گسترش فساد، دولت بزرگ است. از تعاریف مطرح و کاربردی در ادبیات اقتصادسیاسی، فرمولی است که آقای کلیتگارد آن را ارائه کرده است:

"فساد = انحصار + صلاح‌دید (تشخیص مصلحت) - پاسخگویی" (کلیتگارد، ۱۹۸۸)^۱

این تعریف در مورد تمامی مصادیق و کشورها قابل تعمیم است و به طور خاص در کشورمان ایران نیز می‌تواند به خوبی پدیده فساد را تبیین نماید، آنچه که امروز در ایران با آن روبرو هستیم نمونه‌ای کلاسیک از این معادله است.

باید اذعان کرد در دولت‌های رانتی - نفتی، مسئولیت‌پذیری روندی بسیار کاهشی دارد و دولت‌ها پاسخگو نیستند، بنابراین فسادهای اقتصادی و اداری نیز روند افزایشی به خود می‌گیرد. انحصار قدرت و ثروت در کشور و عدم پاسخگویی تنها متوجه دولت نیست و کلیه افرادی که صاحب قدرت بوده و از این قدرت در راستای انحصار استفاده می‌کنند مشمول این مسئله می‌شوند. شیوه غلط مدیریت منابع نفتی، منبع تغذیه اصلی فساد در کشور است. رفتار دولت‌ها به سبب برخورداری از درآمدهای نفتی عظیم، در بسیاری از موارد منطبق با فرمول کلیتگارد است. (راغفر، تسنیم، ۱۳۹۳/۷/۶)

مؤمنی در تأکید بر گزینه پاسخگو بودن، یادآور می‌شود بر اساس قانون برنامه چهارم، باید با هزینه کرد سالیانه ۱۶/۵ میلیارد دلار، رشد اقتصادی به طور میانگین به ۸ درصد افزایش پیدا می‌کرد ولی با هزینه کرد ۵ برابر این رقم، هیچ یک از رکوردهای کلیدی در قانون محقق نشدند؛ در این شرایط دستگاه‌های دولتی برای عدم تحقق نتیجه مورد نظر مؤاخذه قرار نگرفته‌اند، یعنی سیستم خود را ملزم به پاسخگویی نمی‌داند و نهادی وجود ندارد که بر اساس نتیجه، عملکرد را ارزیابی نماید. در مبحث پاسخگویی، چارچوب‌های حقوقی ضعیف نیز مؤلفه‌ای است که تعریف، تضمین و اجرای حقوق مالکیت را با چالش روبه‌رو می‌کند و گاهی هزینه‌های تظلم خواهی را به اندازه‌ای بالا می‌برد که افراد ترجیح می‌دهند مراجعه‌ای به دستگاه قضایی نداشته باشند. وقتی این مؤلفه‌ها گریبان گیر اقتصاد ملی شود توسعه‌نیافتگی با منشأ فساد مالی را رقم می‌زند. (هفته نامه آسمان، ۱۳۹۱/۶/۱۱)

با شکل‌گیری فساد، نهادهایی با مسئولیت‌های متفاوت وارد چرخه فساد شده و درآمدهای بی‌حساب و کتابی رد و بدل می‌شود که عدم وجود کنترل لازم بر این درآمدها، فرصت‌های فساد را در جامعه نهادینه کرده و وجود حساسیت مردم نسبت به آن، موجب مخفی‌کاری و محدود شدن فعالیت رسانه‌ها می‌شود. عمده این فساد متعلق به بخش خدمات و کسانی است که در درون قدرت بوده‌اند و از این فرصت‌ها سوءاستفاده کرده‌اند، دریافت وام به نام تولید و با نرخ بهره‌های بسیار پایین و

^۱ Klitgard

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

وارد کردن آن در فعالیتهای غیر مولد مثل دلالی و واسطه‌گری، آسیب‌های بسیار جدی بر روی تورم و هزینه‌های تولید و نیز هزینه‌های اجتماعی دارد. این وضعیت حاکی از وجود سیاست‌های نخبه‌گرا است، به این معنا که ارتباط بین قدرت و ثروت عملاً در کلیه سیاست‌های اقتصادی برجسته بوده و علیرغم افزایش درآمدهای نفتی، سیاست‌های شکل‌گرفته حافظ منافع ثروتمندان است. (راغفر، ۱۳۹۳)

منتقدان و تحلیلگران مشکلات اقتصادی، در بررسی مشکلات و معضلات پیش روی این نظام، مهم‌ترین و جدی‌ترین مسئله در نظام بانکداری کشور را عدم استقلال بانک‌ها از جمله بانک مرکزی می‌دانند و اظهار می‌دارند این امر سبب شده تا بانک‌ها به جای اجرای سیاست‌های مستقل پولی، همواره به دنبال هماهنگی سیاست‌های پولی خود با سیاست‌های دولت باشند؛ بسیاری از کارشناسان اقتصادی پس از بروز اختلاس مدعی شدند که اگر بانک مرکزی نظارت خود را بر بانک‌ها دقیق‌تر می‌کرد شاید این اتفاق نمی‌افتاد. در ریشه‌یابی اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی، اظهار داشتند که این اتفاق می‌تواند از استقلال فراموش شده نشأت گرفته باشد، استقلالی که شاید دستیابی به آن راه‌گشای بسیاری از مشکلات است.

معمای معوقات بانکی

بنا به اظهارات معاون اول رئیس‌جمهور (۱۳۹۳)، میزان مطالبات معوق فراتر از ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده و حدود یک ششم از کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها را دربر می‌گیرد. به گفته تهران‌فر، معاون نظارتی بانک مرکزی، ۱۰ بدهکار بزرگ بانکی، ۱۲۴ هزار میلیارد ریال بدهی به بانک دارند و ۱۵ درصد کل مطالبات بانکی در اختیار این ۱۰ نفر است. ۵۰ گروه یا شرکت مرتبط به هم، ۳۳ درصد مطالبات معوق و ۲۰۰ بدهکار بزرگ ۵۵ درصد را به خود اختصاص داده‌اند و ۳ نفر نیز بالای یک هزار میلیارد تومان به بانک‌ها بدهی دارند. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳/۲/۳۱)

بدهی‌های بانکی تأثیر نامطلوبی بر شاخص‌های اقتصاد کلان خواهد گذاشت، نخستین پیامد منفی مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی را می‌توان اختلال در امر واسطه‌گری بانک‌ها عنوان کرد. (مهدی‌زاده، همایش سیاست‌های پولی ارزی، خرداد ۹۳) سعید لیلانز کارشناس اقتصادی، با مورد توجه قرار دادن این نکته بیان می‌کند که بانک‌ها به پشتوانه سپرده‌های مردم، وام می‌دهند و با دریافت قسط وام‌ها، از توان مالی لازم برای پرداخت وام‌های بعدی استفاده می‌کنند، اما بدهی‌های بانکی قدرت وام‌دهی و واسطه‌گری بانک‌ها را کاهش می‌دهد. (آدان تحلیل، ۱۳۹۳/۲/۱۸)

رشد فرآیندهای بدهی‌های بانکی همچنین با خارج کردن بخشی از منابع بانک‌ها در بلندمدت، گردش مالی بانک‌ها را با اختلال مواجه می‌کند؛ به عبارتی شبکه بانکی تا اندازه زیادی قفل شده و منابع بانکی مسدود می‌ماند. لیلانز در گفت‌وگو با ایرنا بیان کرد که بدهی‌های بانکی ۲۰ تا ۲۵ درصد از منابع بانکی را از گردش مالی بانک‌ها خارج کرده و موجب رکود و ناکارآمدی اقتصادی شده است و همچنین ایجاد و گسترش فساد ساختاری در اقتصاد و شبکه بانکی را از دیگر پیامدهای بدهی‌های بانکی عنوان کرده است. از دیدگاه راغفر، همین مسئله موجب افزایش بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن شده است.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

از دیگر پیامدهای افزایش بدهی‌ها، افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات و در نتیجه بی‌تمایلی آنها به اعطای تسهیلات به بخش‌های دیربازده چون کشاورزی و تولید است.

رشد تورم یکی از مهم‌ترین پیامدهای عدم بازپرداخت بدهی‌های بانکی است. از نظر راغفر، از آنجا که بخش عمده‌ای از وام‌های دریافت شده از بانک‌ها به بهانه تزریق به بخش تولید اخذ شده‌اند، ولیکن در فعالیتهای بازرگانی به کار گرفته شده و افزایش شدید نقدینگی در بازار و در نهایت تورم لجام گسیخته‌ای را رقم زده است. (ایرنا، ۱۴/۱۲/۹۲)

با توجه به اهمیت مسئله لازم است علت بالا بودن سطح مطالبات معوق و چگونگی عملکرد بانک‌ها در وصول معوقات بررسی شود، بعلاوه اینکه بیش‌ترین بدهکاری بانکی مربوط به چه قشری بوده و راهکار حل این مسئله چیست؟ نتایج تحقیقات پژوهشکده‌ی بانک مرکزی در تابستان ۱۳۹۱ در مورد عوامل شکل‌گیری بدهی‌های بانکی نشان می‌دهد این پدیده از دو عامل عمده‌ی درون سازمانی (ضعف کیفی، ضعف نظارتی و ارزیابی مشتریان) و برون سازمانی (فاصله‌ی نرخ سود بانکی از بهره‌ی بازار، تفاوت نرخ تورم و نرخ سود بانک‌ها، تغییرهای نرخ ارز، ساختار اقتصاد دولتی و نگاه دستوری به بخش اعتباری، بی‌ثباتی سیاست‌ها و تغییرهای پیاپی قانون‌ها و مقررات) تأثیر می‌پذیرد.

راغفر مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری و انباشت معوقه‌های بانکی در سال‌های گذشته را مداخله‌ی قدرت یا سیاست در نظام بانکی کشور می‌داند. از نظر وی، دولت در سال‌های گذشته به صورت برنامه‌ریزی‌شده با دخالت در امور بانک‌ها، زمینه‌ی تضعیف استقلال و نظارت بانک مرکزی، نقض قوانین و مقررات بانکی و در نتیجه ایجاد بدهی‌های بانکی را فراهم کرد، هم‌چنین رشد سرطان‌گونه‌ی موسسه‌های اعتباری و بانک‌هایی که از هر گونه دخالت و نظارت بانک مرکزی مصون هستند، زمینه‌های انباشت بیش از پیش بدهی‌های بانکی را فراهم کرد؛ در این مدت مناسبات خویشاوندی در اقتصاد رونق گرفت، به این مفهوم که افراد نزدیک به کانون‌های تصمیم‌گیری سیاسی، از مواهب این نزدیکی برخوردار می‌شوند و امتیازهایی دریافت می‌کنند که بازدهی اقتصادی آن بالاتر از فعالیتهای متعارف در بازار است. مناسبات خویشاوندی این امکان را فراهم می‌کند تا افرادی که نزدیک به دولت هستند جهش‌های ناگهانی در ثروت به دست بیاورند؛ این رابطه شبکه گسترده‌ای بین اصحاب قدرت و ثروت شکل می‌دهد. نکته اینجاست که عمده‌ترین منابعی که به واسطه این روابط توزیع می‌شود، سرمایه است. دسترسی به منابع ارزان بانکی یکی از اشکال سرمایه‌داری خویشاوندی است. (همشهری، ۱۳۹۲/۱۱/۵)

راغفر می‌گوید وام‌های اقتصادی برای امور تولیدی، در روش صحیح به طور گام به گام و همزمان با پیشرفت فیزیکی پروژه، اعطا می‌شود و به محض اتمام، آن واحد در گرو بانک قرار می‌گیرد تا تضمینی برای بازپرداخت آن باشد، اما در بسیاری موارد با استفاده از روابط، وام‌ها به طور یکجا و به نام تولید با نرخ بهره‌های نازل پرداخت شده و وارد چرخه تولید نیز نشده است. این ارقام بزرگ وارد بخش‌های غیر مولد صرف سوداگری و سفته‌بازی در بازارهای ارز، سکه و مسکن شده و همین موضوع باعث افزایش قیمت‌ها در بازار گردید. این شبکه‌ها با استفاده از روابط فاسد و سوءاستفاده از منابع عمومی، توانستند به ثروت‌های هنگفت دست‌یافته و مبالغ بزرگی از مملکت خارج کنند. آنچه باقی‌مانده انبوه مشکلات اقتصادی و فقدان سرمایه‌گذاری در داخل است که منجر به بیکاری شده و تبعات آن نظیر فقر و نابرابری گسترده بروز پیدا کرده است؛ از سویی

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

دیگر تبعات اجتماعی آن مانند افسردگی جوانان، رواج اعتیاد، خروج سرمایه از کشور، خروج مغزها و افراد مولد از کشور و شاید از همه مصیبت‌بارتر شکل‌گیری نهادهای مالی جدید در کشور و تغییر الگوی فعالیت‌های اقتصادی از فعالیت‌های تولیدی به فعالیت‌های مالی است. (اقتصادآنلاین، ۱۳۹۲/۱۱/۹)

دریافت وثیقه‌های نامتناسب با تسهیلات اعطایی نیز از عوامل مهمی است که به رشد بدهی‌های بانکی در سال‌های گذشته دامن زده است. به طوری که گروهی از بدهکاران بانکی را کسانی تشکیل می‌دهند که از پشتوانه‌های لازم برای گرفتن تسهیلات برخوردار نبوده‌اند، اما به دلیل ضعف سازوکارهای نظارتی، کوتاهی برخی کارشناسان اعتبارات بانکی یا مدیران بانک‌ها، وام‌هایی را دریافت کرده‌اند و نسبت به بازپرداخت آن اقدام نمی‌کنند. این مسئله‌ای است که خود مدیران بانکی نیز به آن اشاره کرده‌اند؛ کامل تقوی‌نژاد، مدیرعامل بانک سپه در بهمن ماه ۱۳۹۳ در نشست خبری در وزارت اقتصاد و دارایی تاکید کرد که اغلب بدهکاران بزرگ بانکی وثیقه مناسبی نداشته و از روز اول نیز قصد بازپرداخت وام‌های دریافتی را نداشته‌اند. (تعادل، ۱۳۹۳/۵/۲۲)

در توضیح بالا بودن نرخ تورم از نرخ بهره بانکی می‌توان اینطور عنوان کرد هر چه فاصله این دو بیشتر باشد بدهکاران بانکی انگیزه بیشتری دارند که بدهی‌های خود را به موقع پرداخت نکنند. فرض کنید تورم نقطه‌به‌نقطه در کشور ۳۰ درصد باشد این نرخ تورم به آن معنا است که به‌طور متوسط قیمت کالاها و خدمات در اقتصاد در طول یک سال ۳۰ درصد زیاد می‌شود. در چنین شرایطی اگر فرد یا بنگاهی بتواند مبلغی وام از نظام بانکی دریافت کند و آن را صرف خریدن مجموعه متنوعی از کالاها بنماید به احتمال زیاد در پایان سال می‌تواند این مجموعه را با ۳۰ درصد افزایش قیمت به فروش برساند. اگر این فرد بدهی خود را به همراه بهره بانکی ۱۸ درصد به بانک برگرداند، بدون آنکه فعالیت اقتصادی مفیدی انجام داده باشد حدود ۱۲ درصد سود خالص به دست آورده است. در چنین شرایطی است که بازپرداخت اقساط وام بانکی برای کسانی که توانسته‌اند به نحوی وام دریافت کنند، مستلزم چشم‌پوشی از این سود بادآورده است. فردی که ۱۰۰ میلیون تومان وام با بهره ۱۸ درصد گرفته باشد در شرایط تورم ۳۰ درصدی عملاً سالانه ۱۲ میلیون تومان و به عبارتی هر ماه معادل یک میلیون تومان درآمد از به تعویق انداختن بازپرداخت بدهی خود به دست می‌آورد، می‌توان جریمه دیرکرد را هم به این تصویر وارد کرد، ولی تنها در صورتی جریمه دیرکرد موثر واقع می‌شود که نرخ بهره موثر یعنی نرخ بهره اولیه به اضافه جریمه دیرکرد، از نرخ تورم بیشتر شود که در حال حاضر این طور نیست؛ بنابراین حتی با وجود جریمه دیرکرد، بدهکاران بانکی حتی در صورتی که هیچ مشکل مالی‌ای برای بازپرداخت بدهی خود نداشته باشند، انگیزه‌ای برای این کار ندارند. (مروتی، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳/۲/۲۲)

سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که نحوه‌ی عملکرد بانک‌ها در وصول این معوقات چگونه است؟ بنا بر نظرات کارشناسان، عملکرد بانک‌ها در کف جامعه نشان داده است عملیات وصول معوقات بیشتر بدهکاران خرد بانکی را به عنوان دم دست‌ترین گروه بدهکار شامل می‌شود و این افراد سهم بیشتری از فشار بانک را تحمل می‌کنند به این صورت

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "جانشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

که فردی که ۲ میلیون تومان وام می‌گیرد و پرداخت اقساطش معوق می‌شود از نظر بنیه اقتصادی ضعیف شده و قاعدتاً تسلط بر ضعیف امری سهل و آسان است. از سوی دیگر وثیقه این افراد، حقوق وام‌گیرنده و یا ضامن وی است که بانک طبق تعهدنامه‌ای که از هر دو طرف در اختیار دارد مجاز است در کوتاه‌ترین زمان ممکن، حقوق مربوطه را مسدود و ماهیانه به حساب بانک واریز کند. در حالی که معمولاً برای بدهکار ۱۰۰۰ میلیارد تومانی، به دلیل نفوذ قابل توجه، برخی مسئولین اعم از بانکی و غیر بانکی از بدهکار بانکی خواهش می‌کنند که نسبت به وصول معوقات خود در حد توان اقدام کند!

اینکه بانک‌ها باید پیگیر وصول معوقات خرد و کلان از هر دسته وام‌گیرنده‌ای باشند امری لازم‌الاجرا و بدون استثناست، اما آنچه مهم است برخورد دوگانه سیستم بانکی با بدهکاران است که اگر چه بدهکاران کلان بانکی بنیه قوی اقتصادی دارند و گاهی به "عابر بانک" هم تعبیر می‌شوند، اما نباید به دلیل نفوذ سیاسی - اقتصادی از هرگونه پیگیری مصون باشند، چه بسا وصول این معوقات کلان، بخش قابل توجهی از آسیب اقتصادی کشور را حل می‌کند.

از جمله راهکارهای حل این برخورد دوگانه ضرورت غربالگری بدهکاران بانکی است؛ دکتر اغفر عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س) معتقد است این بدهکاران دو دسته‌اند، برخی منابعی را وام گرفته و پس نمی‌دهند، این گروه بیشتر در فعالیت‌های واردات و بخش تجاری بوده و سودهای زیادی کسب کرده‌اند، لذا برخورد قضایی باید صورت گیرد؛ دسته دوم این بدهکاران تولیدکنندگانی می‌باشند که فعالیت تولیدی داشته و اتفاقاً به خاطر فعالیت‌های تجاری، هزینه تولید کالایشان بالا رفته و به دلیل افزایش قیمت‌ها و حامل‌های انرژی متضرر شده‌اند. این دو گروه باید از هم تفکیک شوند تا دولت با حمایت از گروه دوم به ادامه فعالیت آن‌ها کمک کند. قاسمی، نماینده مردم لاهیجان در مجلس شورای اسلامی ضمن معرفی دانه‌درشت‌ها به عنوان کسانی که صرفاً برای افزایش سرمایه اقدام به اخذ تسهیلات کرده‌اند و اینکه که میلیاردی شده‌اند حاضر به بازپرداخت مطالبات نظام بانکی نیستند، می‌گوید: «با وجود دانه درشت‌هایی که وام‌هایی کلان دریافت کرده و قصد بازپرداخت آن را ندارند، شایسته نیست که دولت تمام هم و غم خود را بر بدهکارانی متمرکز کند که به علت بیمار بودن ساختار اقتصادی کشور، قادر به بازپرداخت وام‌های خود نیستند».

بحران رکود تورمی، نقش بانک‌ها و راهکارها

شرایط اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در وضعیت ویژه‌ای قرار گرفت که اثرات آن همچنان بر فضای اقتصادی کشور حاکم است. شرایط به این دلیل ویژه تلقی می‌شود که مشابه آن را نمی‌توان در سه دهه گذشته مشاهده نمود. "بروز رکود عمیق در کنار تورم بالا در دو سال متوالی" نه تنها در سه دهه گذشته، بلکه اگر سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ (سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی) کنار گذاشته شود، از آغاز انتشار آمارهای حساب‌های ملی بانک مرکزی در سال ۱۳۳۸ تا کنون سابقه نداشته است. حتی در زمان جنگ تحمیلی نیز نمی‌توان دو سال پی در پی را مشاهده نمود که رشد تولید ناخالص داخلی منفی بوده و همزمان تورم بیش از ۳۰ درصد باشد. این‌ها مواردی از مطالب گزارش منتشر شده توسط دولت در بررسی وضعیت رکود تورمی است. با توجه به اجماع کارشناسان اقتصادی و آنچه در گزارش اقتصادی ۱۰۰ روزه دولت ارائه شده،

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "جانشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

جزء رکود این پدیده نسبت به جزء تورم آن، دارای پیچیدگی‌های بیشتری است. زیرا رکود می‌تواند از تحولات هر یک از دو سمت عرضه و تقاضای اقتصاد ناشی شده باشد و بسته به اینکه از تحولات کدام سمت بیشتر اثر پذیرفته باشد مسیر برون‌رفت از آن نیز متفاوت خواهد بود. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۴/۲۳) همچنین در بررسی دوره‌های رونق و رکود، شناسایی و تفکیک عواملی که بر "عمق رکود" و "طول دوره رکود" اثر می‌گذارند از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس معمولاً در نظریه‌های چرخه‌های تجاری، نقش ۴ عامل را در بروز رکود از یکدیگر تفکیک می‌کنند: اول، عاملی که ضربه اول را وارد می‌کند. دوم، عوامل انتشار یا سرایت دهنده. سوم، عوامل زمینه‌ساز و چهارم عوامل انتقال‌دهنده در طول زمان. تعیین دقیق نقش عامل مسلط در میان عوامل ذکر شده دشوار است. در صورت عدم بروز عامل اول، اساساً رکود اتفاق نمی‌افتد و در صورت نبود عامل دوم، مسئله در محدوده حوزه آسیب‌دیده باقی خواهد ماند. اگر عامل سوم نباشد، ابعاد مسئله قابل توجه نخواهد بود و بالأخره اگر عامل چهارم نباشد اتفاق به وقوع پیوسته در یک زمان، به زمان بعد منتقل نخواهد شد بنابراین برای تشخیص صحیح مسئله ایران طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، لازم است قدری به عقب بازگشته و سیاست‌ها و وقایع اقتصادی کشور طی سال‌های گذشته را به طور موردی بیان نمایم.

مهم‌ترین تحولات اقتصادی نیمه دوم دهه ۸۰، عبارت‌اند از: کاهش نرخ سود عقود مبادله‌ای و تعیین حداکثر نرخ سود مورد انتظار بانک‌های غیردولتی در سال ۱۳۸۶، طرح بنگاه‌های زودبازده، تثبیت قیمت حامل‌های انرژی، تغییر ساختار نهادهای اقتصادی (مانند انحلال سازمان برنامه) در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و افزایش پایه پولی، کاهش پرداخت‌های عمرانی و جاری دولت به قیمت ثابت در سال ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، مسکن مهر (تبدیل بدهی دولت به بانک مرکزی به صورت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی) در سال ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، تثبیت نرخ ارز اسمی و افزایش بی‌سابقه واردات.

نرخ‌های سود بانکی متغیر مهم دیگری بود که طی این دوره با سیاست‌گذاری‌های نادرستی روبرو شد؛ در ابتدای این دوره نرخ سود عقود مبادله‌ای که در آن زمان بخش اصلی تسهیلات در قالب این عقود ارائه می‌شد، کاهش پیدا کرد. بر اثر این اقدام و به دلیل وجود تورم دو رقمی، نرخ سود حقیقی تسهیلات و سپرده‌ها منفی شد. منفی شدن نرخ سود حقیقی سبب می‌شود افرادی که پول خود را در بانک نگه می‌دارند، متضرر شده و افرادی که می‌توانند از بانک‌ها منابعی دریافت کنند، منتفع شوند. در نتیجه تقاضای دریافت تسهیلات ارزان‌قیمت از سیستم بانکی کشور افزایش یافت؛ این رویکرد از یک طرف موجب شد که توجیه اقتصادی طرح‌ها در چارچوبی نادرست و به نفع پروژه‌هایی صورت بگیرد که در واقع فاقد توجیه هستند و از طرف دیگر، وابستگی تأمین مالی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی به منابع بانکی بیش از پیش افزایش یابد، چرا که دریافت منابع مالی از بانک‌ها با نرخ سود پایین صرفه اقتصادی بیشتری داشت. از سوی دیگر کاهش قدرت کنترل بانک مرکزی در جهت مدیریت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، باعث شد بانک‌ها منابع مورد نیاز برای ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت به متقاضیان را از طریق بانک مرکزی تأمین نمایند که بر اثر آن پایه پولی کشور در انتهای این دوره، از طریق افزایش بدهی

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بانک‌ها به بانک مرکزی به طور فراوانی افزایش یافت؛ در مجموع نتیجه‌ی تحولات اقتصادی نیمه دوم دهه ۸۰، افزایش میزان آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از شوک‌ها و تکانه‌های مختلف خارجی و داخلی بود. زیرا درآمد نفتی با وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، نرخ ارز با وابستگی تولید و مصرف خانوارها به واردات، قیمت انرژی با وابستگی تولید به انرژی و نرخ سود با وابستگی تأمین مالی تولید به بانک‌ها، موجب افزایش میزان آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از شوک‌ها و تکانه‌های مختلف خارجی و داخلی بود.

دوره دوم تحولات اقتصادی، دی ماه ۱۳۸۵ تا مردادماه ۱۳۹۲؛ مهم‌ترین تحولات اقتصادی در این دوره عبارت‌اند از: سال ۱۳۸۹ افزایش جهشی قیمت انرژی را داشتیم که در وقوع عامل چهارم (عوامل انتقال‌دهنده) نقش دارد، در سال ۱۳۹۰ تعیین حداکثر نرخ سود تسهیلات مشارکتی که در ایجاد عامل اول، وقوع فساد بانکی که در ایجاد عامل دوم، تحریم بانک مرکزی و تحریم مبادلات نفتی و رشد منفی بخش نفت در ایجاد عامل چهارم، در سال ۱۳۹۱، رشد منفی بخش صنعت و رشد منفی بخش خدمات در ایجاد عامل اول در سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، تلاطم ارزی و افزایش رشد پایه پولی از سال ۸۹ تا ۹۲ که در ایجاد هر چهار عامل نقش داشته‌اند.

بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ضربه اول را بخش نفت، کاهش تولید و صادرات آن، بر کاهش تولید ناخالص داخلی کشور وارد کرد و مکانیزم‌هایی که بخش نفت را به سایر فعالیت‌های اقتصادی مرتبط می‌کند به عنوان سازوکار انتشار یا سرایت عمل کرده‌است. این مکانیزم‌ها در سه مسیر واردات، بودجه دولت و اثر بر عرضه ارز، قابل طبقه‌بندی هستند. بنابراین کاهش درآمدهای ارزی ناشی از کاهش صادرات نفت از این سه مسیر به سایر بخش‌های تولید ناخالص داخلی (خدمات و صنعت) انتشار یافت و با افزایش هزینه‌های تولید، منجر به افت تولید ناخالص داخلی در این دو بخش شد. همچنین میزان "وابستگی واردات به درآمدهای نفتی"، میزان "وابستگی بودجه به نفت" و میزان "آسیب‌پذیری تولید از تحولات ارز و تورم"، به عنوان عوامل زمینه‌ساز، بر شدت کاهش فعالیت‌های تولیدی اثرگذار شدند. تا بدین جا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که محدودیت‌های ناشی از سمت عرضه اقتصاد، یا به صورت مستقیم منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی شده است، یا از طریق افزایش هزینه تولید کاهش ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی را در پی داشته است؛ نکته دیگر اینکه کاهش تولید ناخالص داخلی به معنی کاهش سودآوری بنگاه‌های اقتصادی در کنار کاهش درآمد قابل تصرف خانوارهاست. بنابراین کاهش تولید ناخالص داخلی، خود از دو مسیر می‌تواند منجر به ایجاد یا تشدید عواملی شود که دینامیک کاهش ارزش افزوده بخش‌های تولیدی را در طول زمان تداوم بخشد؛ مسیر اول همان کاهش سودآوری بنگاه‌هاست که باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی نتوانند به تعهدات خود در قبال سیستم بانکی عمل نمایند؛ لذا از این مسیر، مطالبات غیر جاری (معوق) سیستم بانکی افزایش یافته و بانک‌ها با تنگناهای مالی در جهت ارائه تسهیلات مواجه می‌شوند. از سوی دیگر همان‌طور که ذکر شد، کاهش نرخ سود عقود مشارکتی، آشکار شدن فساد بانکی سال ۱۳۹۰ و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی بین‌المللی، سبب شد بانک‌ها بیشتر در جهت انقباض فعالیت‌های خود حرکت و برای ارائه تسهیلات محتاطانه‌تر عمل کنند. در نتیجه بروز تنگنای

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

جدی مالی در نظام بانکی، در کنار تأمین منابع مورد نیاز بانکها از طریق افزایش پایه پولی به عنوان یکی از عوامل انتقال دینامیک رکود در طول زمان عمل کرده است، زیرا عدم تأمین مالی تولید توسط بانکها و افزایش پایه پولی و در نتیجه افزایش تورم، می تواند مجدا از طریق سازوکارهای توضیح داده شده، منجر به کاهش ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی شود. مشکلی که در حال حاضر اقتصاد کشور با آن مواجه است، به این موضوع برمی گردد که بیماری شدید محیط حاکم بر روابط بانک و بنگاه، در شرایطی بروز کرده که راه های متعارف ظهور علائم بیماری مسدود است؛ لذا تشخیص بیماری و میزان وخامت آن بسیار دشوار است؛ بانکها در مواجهه با محدودیت های جدی مالی، علامتی از خود بروز نمی دهند و بر خلاف ارز که از طریق جهش نرخ ارز وجود مشکل را علامت می دهد، در بازار بانکی متغیری با رفتار مشابه وجود ندارد. از طرف دیگر، در سمت بنگاه هم پدیده ورشکستگی که بیماری بنگاه را بروز می دهد، به دلیل حمایت های مختلف به طور نادر اتفاق می افتد. (منبع: پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۹۳)

عبدالملکی کارشناس اقتصادی معتقد است تقویت تولید ملی در اقتصاد مقاومتی بسیار مؤثر و بااهمیت است، زیرا با تقویت این بخش، تولید کالاها افزایش یافته و کاهش تورم و کاهش وابستگی به کالاهای خارجی را به همراه دارد و درعین حال نیاز به ارز را کم می کند و این عوامل منجر به افزایش اشتغال و درآمد و در نهایت رفاه می شود. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۲/۱۰)

راغفر می گوید مداخلات برای نرخ سود بانکی، باعث افزایش وابستگی بخش تولید برای تأمین اعتبار به بانکها شده است که این موضوع یکی از دلایل ایجاد بحران فعلی است؛ معنای دیگر آن این است که دیون معوقه بانکی متوجه بخش تولید است، درحالی که از صد هزار میلیارد تومان بدهی معوقه بانکها، تنها ۱۵ درصد مربوط به تولید می شود و مابقی صرف فساد مالی، سفته بازی و فعالیت های غیر مولد آسیب زا شده است. بدرفتاری نظام بانکی با بخش صنعت و تولید و حمایت نکردن بانکها از تولیدکنندگان، موضوع تازه ای نیست. به گزارش اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، بخش تولید کشور، سود حاصل از افزایش بهره وری را برای پوشش جرائم و بهره های بانکی هزینه می نماید. تعداد شعب بانکی، رو به افزایش بوده و برخی شعب با ۲ الی ۳ کارمند به فعالیت ادامه می دهند، درحالی که سرفقلی آنها میلیاردها تومان می باشد، با این شرایط، فعالیت های تولیدی هم اکنون در سایه عملکرد بانکها قرار گرفته و به نوعی تمام اقتصاد ایران، کارگزاران و کارمندان رسمی نظام بانکی بوده و تولیدکنندگان، خود را بنا بر سیاست آنها پیش می برند.

حال سؤال این است که راهکارهای خروج از این بحران چیست و آیا راه حل دولت برای خروج از رکود تورمی کارساز است؟

توتونچیان معتقد است بانکداری فعلی مانند سلول سرطانی در جامعه و تولید است، در بسته های خروج از رکود، دولت به مسائل بانک و بانکداری و نرخ بهره های سنگین که ۲۲ تا ۳۷ درصد در نوسان است، هیچ گونه اشاره ای نشده است، درحالی که در اقتصاد اسلامی افراد و سازمانها و تشکیلات به یکدیگر متصل بوده و مستقل نیستند و به همین دلیل تمام کارگزاران اقتصادی از طریق افراد و خانواده ها با سازمان های تولیدی و سازمانها با بانک پیوند دارند که نقش بانک را پر رنگ می کند،

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اما توجهی به آن نشده است. نظام اقتصادی اسلامی توانایی دارد به طور همزمان عرضه و تقاضا را بالا ببرد، اما در راه حل ارائه شده تنها سمت عرضه دیده شده است، در حالی که آنچه به وسیله بهره به عنوان سلول سرطانی در جامعه تولید و بازار رسوخ کرده و عامل گرداب پولی است، نمی تواند در زمینه تولید موثر باشد. (خبرگزاری فارس، ۹۳/۴/۳۱)

وی معتقد است در بسته غیر تورمی باید تجدیدنظر کلی شود و در چارچوب قانون اساسی و نظام بانکی بدون ربا باشد. وی رفع مشکلات تولید از جمله تولیدات صنعتی، رفع معضلات بنگاه های اقتصادی و تلاش دولت برای دسترسی آن ها به اعتبارات بانکی و کمک به احیای واحدهایی که در سال های اخیر ورشکست شده اند را از جمله نکات لازم برای تکمیل این بسته عنوان می کند.

ایشان در خصوص افزایش اثربخشی این بسته، جلوگیری از واردات بی رویه کالاهای مصرفی در کشور، حذف برخی تعرفه های این موارد و همچنین تخصیص منابع حاصله برای کمک به بخش تولید داخلی را پیشنهاد نمود. (خبرگزاری فارس، ۹۳/۴/۳۱)

راغفر معتقد است برای خروج از رکود، باید مهم ترین مشکلات اقتصادی کشور که وجود رانت و فساد مالی هستند شناسایی و حذف شوند، وی معتقد است گزاره های ارائه شده در این بسته کامل نیست، که این کاستی ها شامل اشتباهات تصمیم گیری در کشور، خرابی ساختارهای نهادی و وجود گروه های خاصی که دارای رانت بالا هستند و رکود را شکل داده اند می باشد. مواردی که در بسته خروج از رکود مطرح شد، نشانگر برگشت به سیاست تعدیل ساختاری دهه ۷۰ است، در حالی که این سیاست ها در شکل گیری بحران کنونی اقتصاد کشور، سهم قابل ملاحظه ای داشته اند. (ایسنا، ۱۳۹۳/۵/۳)

به بیان مؤمنی، تا زمانی که ساختار نهادهای موجود در اقتصاد تغییر نکند، افزایش درآمدهای نفتی به عنوان یک نیروی محرکه، به پس افتادگی اقتصادی ملی ایران دامن می زند. تمام تحقیقاتی که در دنیا روی رکود تورمی انجام شده، در چنین شرایطی تنها راه نجات اقتصاد را تقویت تولید می دانند، زیرا از طریق افزایش تولید، عرضه کل اقتصاد افزایش یافته و فشارهای تورمی کاهش می یابد. از آنجا که افزایش عرضه کل نیازمند بکارگیری نیروی انسانی بیشتر است، به نوبه خود می تواند معضل بیکاری را نیز تقلیل دهد؛ رویکردی که در دولت قبل در دستور کار قرار گرفت و دولت جدید هنوز همان مسیر را ادامه می دهد آن است که به جای باز آرای، ساختار نهادی را دست نخورده باقی گذاشته و از طریق پرداخت اعانه به فقرا، خواستار حل بحران تقاضای کل است. اسمیت رکود تورمی، رانت محوری، فساد محوری، ربا محوری و سوداگری محوری را جایگزین تولید محوری می داند؛ در سطح نظری گفته می شود وقتی رکود تورمی طی دوره طولانی زمانی استمرار پیدا می کند با پدیده ای روبه رو می شویم که اصطلاحاً از آن با عنوان «دور باطل» رکود تورمی نام برده می شود. عنصر گوهری برای عبور از دور باطل رکود تورمی این است که از این ریسک گریزی غیر متعارف بخش خصوصی مولد جلوگیری نموده و اعتماد از دست رفته آن ها بازگردانده شود، برای این کار لازم است یک برنامه ملی مبارزه با فساد طراحی شود که شفاف سازی فرایندهای تخصیص منابع به مثابه مهم ترین عامل پیشگیری کننده از فساد و به عنوان قلب تپنده تولید گامی مهم است. وی

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

معتقد است غایت این بسته، حفظ ساختار رانتی اقتصاد کشور، دست نخورده باقی بودن نهادهای ضد تولید، دست نخورده باقی ماندن و توزیع رانت در قالب دلارهای نفتی و نظایر آن خواهد بود. (ایرنا، ۱۳۹۳/۷/۸)

بانک‌ها و بنگاهداری

از موارد کج روی بانک‌ها، تبدیل شدن آن‌ها به بنگاه‌های اقتصادی است. به گفته دکتر سید کامل تقوی نژاد، مدیرعامل بانک سپه، بر اساس قانون باید درصد بنگاهداری بانک‌ها حداکثر ۴۰ درصد باشد، اما شرکت داری برخی بانک‌ها به بیش از ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است و این در حالی است که بانک‌ها باید سود خود را از عملیات بانکی و نه از سرقفلی در شعب خود حاصل کنند، در این صورت است که مهم نخواهد بود چه کسی مشتری بانک است و به هر قشری خدمات رسانی خواهد شد. به طور کلی آنچه که در روح قانون عملیات بانکی بدون ربا مستتر است این موضوع است که بانک نباید یک بنگاه حداکثر کننده منافع خود از طریق استفاده مستقیم از منابع در اختیار باشد. بلکه در بانكداری اسلامی بانک واسطه وجوه بوده و با تجمیع وجوه از سپرده‌گذاران و تخصیص آن به وام‌گیرندگان عملاً نقش واسطه مالی را دارد و در این ارتباط کارمزد و حق‌العمل یا حق‌الجعاله می‌ستاند. به گفته وی، اگر فرض کنیم مجموع سرمایه و نقدینگی بانک‌ها حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان باشد و ۵۰ درصد این مبلغ به سمت بنگاهداری رفته باشد، به این معنی است که حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان از سرمایه و نقدینگی بانک در بخش بنگاهداری سرمایه گذاری شده است.

طبق اصل حقوقی (اصل قانونی بودن جرم) تا وقتی فعالیت یا فعلی را قانون جرم ندانسته باشد، اقدام به آن عمل قانونی است، یعنی سکوت قانون در برابر فعلی به معنی جواز انجام آن است؛ بانک‌ها محدودیت قوی در این ارتباط نداشته اند. هر چند آیین‌نامه‌های بانک مرکزی در برخی از قسمت‌ها، بانک‌ها را محدود به انجام فعالیت‌های بنگاهداری کرده بود، اما به دلیل ضعف نظارت بانک مرکزی بر عملیات بانک‌ها، نتیجتاً وسعت فعالیت‌های بنگاهداری بانک‌ها، بسیار زیاد شد. (بیدآباد، تدبیر، ۱۳۹۳/۵/۹)

اهمیت این مسئله به عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع تولید، واکنش تولیدکنندگان کشور را نیز در پی داشته است، تا جایی که در نامه‌ای به مقام معظم رهبری در تأکید ایشان برای مبارزه با فساد و رانت‌خواری و اساسی‌ترین مشکلات تولیدکنندگان و کارآفرینان یعنی بنگاهداری بانک‌ها، خواستار این شدند تا دستگاه‌های نظارتی کشور، برای شفافیت اطلاعات بنگاهداری بانک‌ها اقدام نماید. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳/۶/۱۶)

اما چرا بانک‌ها به سمت تأسیس بنگاه‌های اقتصادی کشیده شدند؟

در سال‌های اخیر، افزایش فزاینده‌ی نرخ تورم، باعث تغییر شرایط عملکرد بازارهای مالی شده است. اعمال محدودیت‌های دستوری در مورد نرخ بهره، بانک‌ها را به این اندیشه سوق داد تا شیوه‌هایی بیابند که از طریق آن بتوانند نرخ بازده مالی منابع مالی خود را افزایش داده و نرخ طبیعی بهره را مثبت نمایند؛ لذا اقدام به تأسیس بنگاه‌های متنوع در زمینه‌های مختلف نظیر

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

لیزینگ‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های ساختمانی و... نمودند. تأسیس این گونه شرکت‌ها بازدهی‌های فراوانی برای بانک ایجاد می‌نماید که می‌تواند خسارت ناشی از نرخ طبیعی بهره منفی را برای سایر فعالیت‌ها جبران کند. با توجه به اینکه این گونه از فعالیت‌ها نرخ‌های بازدهی بالایی دارد، نتیجتاً امتیازات و رانت بسیاری را موجب خواهد شد.

لذا در سابقه عملکردی بسیاری از این گونه شرکت‌ها و بنگاه‌های بانکی، انواع مختلفی از ارتباطات ناسالم مشهود است؛ دو بخش لیزینگ و بیمه از بخش‌های تخصصی مالی است که بانک‌ها از لحاظ عملیات مالی در آن‌ها متبحر هستند. به خصوص در بخش لیزینگ که نوعی بخش مالی ربوی محض است، بانک‌ها عملاً با گریز از تنگناهای قانونی بانکی، اقدام به اعطای وام و کسب بهره و به صراحت، "ربا" می‌کنند. (بیدآباد، تدبیر، ۱۳۹۳/۵/۹) با توجه به نوع کالاهایی که در بخش لیزینگ مورد استفاده عملیات اعطای وام قرار می‌گیرد، این امر برای بانک‌ها ریسک کمتری ایجاد می‌کند. شرکت‌های بیمه عملاً فعالیت مالی متفاوتی دارند ولی گردش مالی در این شرکت‌ها برای بانک بسیار سهل‌الاجرا و قابل مدیریت است. نتیجتاً توجه به این دو بخش موجب شده است بانک‌ها با این نوع عملیات، منابع را به جای اختصاص به بخش تولید به بخش‌های خدمات منتقل نمایند.

هر چند نگاه بانک مرکزی به بنگاهداری بانک‌ها می‌تواند موجب تغییر در نحوه تخصیص منابع شود، ولی بانک مرکزی در ادامه این تصمیم باید سیاست هدف‌گذاری نرخ‌های تورم و بهره تک‌رقمی را در دستور کار خود قرار دهد تا انگیزه بانک‌ها در ارتباط با فعالیت‌های غیر بانکی محدود شود.

ضرورت و راهکارهای مبارزه با فساد

در توجه به اثرات متعدد زیان‌بار فساد، دامنه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. ابتدا به عنوان نمونه بیان مقام معظم رهبری (۱۳۸۰/۱۰/۱۹) قابل تأمل است که فرمودند: فساد چند ضرر دارد، یکی اینکه خزانه این کشور که باید صرف مردم شود، صرف ساختن پل و راه و سد و آب‌رسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود، به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی سه چهار سال ده‌ها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، مزه زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره حق‌به‌جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پول‌ها را به چنگ آورد. بنابراین اولین ضرر این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و خودخواه و زیاده طلب می‌رود. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد. یک نقطه فساد، همه بدن را آلوده می‌کند. (۱۳۸۳/۳/۲۷)

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در اردیبهشت سال ۱۳۸۰، فرمانی هشت ماده‌ای در مورد مبارزه‌ی همه‌جانبه و سازمان‌یافته با مفاسد مالی و اقتصادی را خطاب به سران قوای سه‌گانه صادر فرمودند، اما بی‌توجهی برخی مسئولان به این رهنمودهای ارزشمند در

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

سال‌های گذشته، زمینه‌های افزایش فساد اقتصادی را فراهم آورد؛ در این پیام به مسئولان قوای سه‌گانه هشدار داده بودند که تسامح در مبارزه با فساد، همدستی با مفسدان است و اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف از خود تزلزل نشان ندهند. (خبرگزاری فارس، ۸/۲/۸۸) ایشان فرمودند: خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به وسیله قوای سه‌گانه، به خصوص دو قوه مجریه و قضائیه است. قوه مجریه با نظارتی سازمان‌یافته و دقیق و بی‌اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه‌ها پیشگیری کند و قوه قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاک‌دامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه مقننه در وضع قوانینی که موجب تسهیل راهکارهای قانونی است و نیز در ایفای وظیفه نظارت، بسیار مهم و کارساز است، اما بی‌توجهی برخی مسئولان به این رهنمودهای ارزشمند، در سال‌های گذشته زمینه‌های افزایش فساد اقتصادی را فراهم آورد؛ کوتاهی مسئولان در انجام وظایفشان در مبارزه با فساد اقتصادی تا حدی بوده است که باعث تأثیر مقام معظم رهبری شده است. مهرماه سال ۱۳۹۰ پس از افشای فساد مالی ۳ هزار میلیارد تومانی، رهبر معظم انقلاب با اشاره به توصیه‌های مؤکد به مسئولان در سال‌های قبل، خطاب به آنان گفتند: اگر چه مسئولان از مقابله با فساد اقتصادی استقبال کردند، اما اگر به این توصیه‌ها عمل می‌شد، هیچ‌گاه دچار چنین حوادثی همچون فساد بانکی اخیر نمی‌شدیم. ایشان با اشاره به توصیه‌های مبنی بر اینکه نباید گذاشت فساد ریشه‌دار شود، تأکید کردند که در خصوص این موضوع «متأسفانه عمل نشد». آخرین گلایه‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص جدی نگرفتن مبارزه با مفاسد اقتصادی، مربوط به عدم اجرای فرمان ۸ ماده‌ای بود که در ۲۹ بهمن ۱۳۹۱ با انتقاد از مسئولان قوا گفتند: چند سال قبل درباره مبارزه با فساد اقتصادی، نامه‌ای به رؤسای قوا نوشتم؛ مکرر می‌گویند که فساد اقتصادی؛ اما این کار به زبان گفتن تمام نمی‌شود، بلکه نیازمند مبارزه عملی است، در عمل چه کار شد؟ در عمل چه کار کردید؟ این مسائل انسان را متأثر می‌کند. (تسنیم، ۱۲/۲/۱۳۹۳)

در همایش ارتقای سلامت در نظام اداری، رئیس قوه قضائیه، به رده‌های پنهان از فساد اشاره نمود؛ آملی لاریجانی این رده را وجود یک اختاپوس ارتباطی می‌داند که با بده-بستان‌هایی، توانایی این را دارند که حتی در دستگاه قضایی مشکلاتشان را حل کنند. (تسنیم، ۱۲/۲/۱۳۹۳)

حال با توجه به ضرورت مبارزه با فساد در مورد راه‌های مبارزه با این مسئله می‌توان گفت، با توجه به فرمول و فرآیند ارائه‌شده توسط کلیتگارد، مسلماً راه مقابله، حرکت در مسیر عکس فرمول است. در این راستا، اصل اول، ایجاد شفافیت در اقتصاد است. شفافیت موجب پاسخگویی افراد در خصوص عملکردشان است و در این صورت مسئولین و صاحبان قدرت و انحصار، طبق صلاحدید و منافع خود عمل نخواهند کرد. از طرف دیگر انحصار باید تبدیل به مشارکت، حضور مردم و رقابت شود. اگر رقابت چندگانه، عادلانه و چند صدا باشد، می‌توان با فساد مقابله نمود. وجود رسانه‌ها، احزاب مستقل و نهادهای غیردولتی، ایجاد شفافیت در فرآیند، سازوکار و جریان آزاد اطلاعات از ابزارهای مورد نیاز در این راستا است. (راغفر، تسنیم، مهر ۱۳۹۳)

بدیهی است که بین فساد در بخش عمومی و فقدان مسئولیت‌پذیری در میان صاحبان مناصب عمومی، رابطه مستقیمی

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

وجود دارد. یکی از شیوه‌های مسئولیت‌پذیرتر کردن مقامات ذی‌ربط، توسعه رسانه‌های جمعی کارآمد و پرس‌و‌جوگر است. رسانه‌ها، نقشی کلیدی در تحقق ادعاهای راجع به شیوع رویه‌های ناصواب و فساد آلود، ایفا می‌کنند. نقش رسانه‌ها در تقبیح فساد، زمانی که نهادهای سیاسی موجود، برای تضمین مسئولیت‌پذیری مقامات مسئول، ناکافی و ناکارآمد هستند، حتی پراهمیت‌تر می‌شود. همه نهادهای دولتی باید تحت نظارت باشند، خواه به طور مستقیم و از طریق دیدگان عموم، یا غیرمستقیم و از طریق رسانه‌های جمعی. (رنجبر، ۱۳۸۷)

سعید لیلاز، معتقد است فساد اقتصادی را باید در ارتباط با منافع و امنیت ملی، فارغ از هر نوع جناح‌بندی و رقابت‌های سیاسی تلقی کرد که در فضای انحصاری و غیر رقابتی زمینه‌های آن تسهیل و تسریع می‌شود و هرگونه برخورد با فساد، بدون یک حرکت ریشه‌ای در اقتصاد، غیرممکن است و در مرحله اول باید به سمت کوچک کردن دولت و آزادسازی اقتصاد و در جهت کاهش تصدی‌گری و دخالت دولت در اقتصاد حرکت کرد. البته حضور مردم به عنوان چشم‌بیدار و آگاه، مانعی برای بروز فساد خواهد بود و از آن مهم‌تر اینکه، باید از برخورد سیاسی و جناحی پرهیز کرد. لیلاز می‌افزاید هرگاه محیط امنی برای رشد میکروب فساد ایجاد شود، اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری مفهومی ندارد و هر گروهی ممکن است به آن گرفتار شود. (چشم‌انداز ایران، شماره ۸۴، اسفند ۱۳۹۲ و فروردین ۱۳۹۳)

کارشناسان اقتصادی معتقدند راه‌های جلوگیری از اختلاس بانک‌ها و یا به طور کلی رشوه‌گیری در ادارات، به نظارت همه‌جانبه، برخوردهای توأم با عدم تبعیض و عدم حاشیه‌امنی (که برای برخی افراد وجود دارد) بازمی‌گردد. همیشه با معلول مبارزه شده است نه با علت، که علت اصلی، باندهای مافیایی هستند که در بانک‌ها به وجود آمده‌اند؛ دلیل دریافت وام‌های ۵۰۰ میلیونی یا چند میلیاردی، طبعاً به دلیل وجود مافیای قدرت در بانک‌هاست.

بانکداری الکترونیک نیز می‌تواند در جهت خنثی‌سازی تخلفات بانکی بسیار موثر باشد؛ ایجاد بانکداری الکترونیک، یکی از مسائلی است که در کاهش هزینه‌ها و سرعت عمل ارباب‌رجوع، موثر واقع می‌شود. افزایش دقت و سلامت کاری را می‌توان از ویژگی‌های بانکداری الکترونیک برشمرد و جلوگیری از اختلاس، یکی از پدیده‌هایی است که با این سیستم حل خواهد شد.

می‌توان گفت یکی از راه‌های اصلاح نظام بانکی، توجه به جمله‌ی امام خمینی (ره) است که فرمودند "کاری کنید که پول سود نکند"، چرا که میدانیم در نظام بانکداری ربوی است که پول به عنوان پول زاینده است، ولی در نظام بانکداری غیرربوی، پول بعنوان پول خنثی بوده و این سرمایه است که سود داشته و بالتبع، تولید و فعالیت اقتصادی زاینده است. متأسفانه نظام بانکداری ما طبق سخنان توتونچیان، سبحانی و مصباحی‌مقدم در همایش بانکداری بدون ربا در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (۱۳۹۳)، یک نظام بانکداری ربوی محض است که یکی از عوامل مشکلات کنونی کشور می‌باشد.

نتایج و جمع‌بندی

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "جانشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

فساد، پدیده ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد و مختص فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور خاصی نیست. اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است، همان طور که نتایج و پیامدهای آن، بنابر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و نیز سطح توسعه یافتگی تفاوت دارد.

فساد در اشکال مختلف آن، دارای تأثیراتی مخرب بر نظام تصمیم گیری، سپس چگونگی تخصیص منابع و از این طریق بر توسعه اقتصادی ملت‌ها و رفاه نسل‌های آتی آنهاست. ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی، نبود نظام ارزیابی عملکرد، فقدان نظام کنترل مدیریت، مبهم بودن قوانین و مقررات، ناکارآمدی ساختارهای اداری، دخالت بیش از حد دولت در اداره امور اقتصادی و انحصارات دولتی همراه با سوء تدبیرها، زمینه گسترش فساد را فراهم نموده است؛ فساد که طبق شواهد، منجر به ورود ارقام بزرگ به بخش‌های غیر مولد سوداگری و سفته‌بازی در بازارهای ارز، سکه و مسکن شده است و آنچه باقی مانده انبوه مشکلات اقتصادی- اجتماعی، از جمله فقر و نابرابری گسترده، رواج اعتیاد، خروج سرمایه از کشور و بحران رکود تورمی است.

در فرمان منتشر شده از سوی رهبر معظم انقلاب (۱۳۸۰/۲/۲۰) در جهت مبارزه با فساد در نظام اداری و مالی و اقتصادی، تأکید شده "خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره مستلزم اقدام همه‌جانبه به وسیله قوای سه‌گانه، مخصوصاً دو قوه مجریه و قضاییه است"، اما بی‌توجهی برخی مسئولین به این دستور رهبری و سال‌ها مماشات با فساد، امروزه کشور را با فساد سیستمی مواجه ساخته است. وقتی فساد شکل نظام‌مند به خود گرفته و در قالب یک پدیده پیچیده ظاهر می‌شود، این الزام را برای دست‌اندرکاران ذریبط فراهم می‌سازد که با آن برخوردهای نظام‌مند و همه‌بعدنگر داشته باشند و این ممکن نخواهد بود مگر اینکه دست‌اندرکاران، به قبول اصلاح بنیادین در نظامات موجود اذعان نمایند و مهم تر اینکه ارزش‌ها و مبانی اقتصاد را که شکل‌دهنده‌ی ریشه‌دارترین بنیادها در برنامه‌ریزی تحولی هستند، محور حرکت و پشتوانه عزم خود قرار دهند.

در ارائه راهکارهای کلی مبارزه با فساد، می‌توان مهم‌ترین مرحله را ایجاد شفافیت، تبدیل انحصار به مشارکت، حضور مردم و رقابت، وجود رسانه‌ها، احزاب مستقل و نهادهای غیردولتی، سازوکارها و جریان آزاد اطلاعات را نام برد. بنابر موارد مطرح شده در این مقاله، برای تحقق سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی مدنظر رهبری، برای مردمی کردن اقتصاد، هدایت و حضور سرمایه‌های کوچک و انسانی مردم، باید با فساد برخورد شود. به نظر کارشناسان، راه‌اندازی نهضت ضد فساد، کلید اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی است و در گام اول، نظام بانکی به‌عنوان مادر فساد، باید مورد اصلاح قرار گیرد. امید می‌رود ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بهانه‌ای برای اصلاحات عمیق در اقتصاد کشور برشمرده شود، اما هنوز تا مقصد فاصله بسیار است.

مبارزه با فساد، با شعار محقق نمی‌شود و مستلزم عزم ملی، خواست همگانی و جدیت دولت است. این مبارزه باید ساختار یافته، هماهنگ و برنامه‌ریزی شده انجام گیرد و شروع آن از بخش‌ها و نقاط حساس باشد. در بحث مقابله با فساد ما همیشه با معلول

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مبارزه کرده‌ایم، هدف بایستی خشکاندن ریشه باشد و نه قطع کردن شاخ و برگ‌ها؛ چه در این صورت شاخ و برگ‌های جدیدی به وجود خواهد آمد.

منابع و مراجع

- ۱- راغفر، حسین (۱۳۸۶). اقتصاد سیاسی فساد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال چهاردهم، شماره پنجاه و هشت
- ۲- ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده‌باد فساد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- ۳- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). سرطان اجتماعی فساد، شرکت سهامی انتشار
- ۴- دبلیو. پاراتی افسو- سوپرامانین (۱۳۸۷). چارچوب‌های مقابله با فساد (مالی)، ترجمه احمد رنجبر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- ۵- عباس زادگان، سید محمد عباس (۱۳۸۹). فساد اداری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم
- ۶- گروه نویسندگان (۱۳۸۷). دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ترجمه حسین راغفر، انتشارات نقش و نگار
- ۷- مجله هفتگی خبری-تحلیلی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شماره ۲۵، یازدهم شهریور ۱۳۹۱
- ۸- مهدی زاده، سجاد (۱۳۹۲). تخمین آثار انقباضی مطالبات غیر جاری بانک‌ها بر رشد اقتصادی، بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی

۹- Robert Klitgard., (۱۹۸۸) "International Cooperation Against Corruption", Finance & Development

۱۰- www.alef.ir

۱۱- www.adantahlil.com

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴
همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

۱۲- www.bankia.ir

۱۳- www.cbi.ir

۱۴- www.dana.ir

۱۵- www.dolat.ir

۱۶- www.donya-e-eghtesad.com-

۱۷- www.eghtesadonline.com

۱۸- www.econews.ir

۱۹- www.fararu.com

۲۰- www.fardanews.com

۲۱- www.farsnews.com

۲۲- www.ilna.ir

۲۳- www.isna.ir

۲۴- www.irna.ir

۲۵- www.mehrnews.com

۲۶- www.qudsonline.ir

۲۷- www.sadidnews.com

۲۸- www.taadolnewspaper.ir

۲۹- www.tabnak.ir

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴
همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

۳۰ - www.tadbirkhabar.com

۳۱ - www.tasnimnews.com